

پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل

■ دکتر یزدان منصوریان^۱

دانشیار دانشگاه خوارزمی

می‌توان به سه رویکرد کمی، کیفی، و ترکیبی (آمیخته) اشاره کرد. در رویکرد کمی، پژوهشگر تلاش می‌کند دو یا چند متغیر را از بافت مورد مطالعه شناسایی کند و سپس این متغیرها را سنجش‌پذیر سازد و در نهایت به مقایسه نتایج حاصل از اندازه‌گیری آنها بپردازد. اما در رویکرد کیفی پژوهشگر با نگاهی کلی و بدون اتکا به فرضیه‌ای از پیش تعیین شده پدیده مورد مطالعه را در بافت واقعی در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند نوع و ماهیت شناخت افراد جامعه مورد مطالعه را از آن پدیده شناسایی کند. در رویکرد ترکیبی نیز - همانطور که از نامش پیداست - ترکیبی از دو رویکرد کمی و کیفی استفاده خواهد شد.

در گذشته‌ای نه چندان دور، یعنی تا همین یک دهه گذشته، ماهیت اکثر مطالعات در حوزه‌های علوم اجتماعی و تربیتی بیشتر کمی بود. میدان این مطالعات در اختیار نظریه‌های پرطرفداری بود که مسیر و جهت مطالعات آتی را مشخص می‌ساختند. وظیفه اغلب محققان این حوزه‌ها نیز تدوین و آزمون فرضیه‌هایی بود که بر اساس این نظریه‌ها ساخته می‌شدند. اما پس از چندین دهه، به تدریج ناکارآمدی سیطره کامل رویکرد کمی در پاسخ به برخی از پرسش‌ها آشکار شد. پرسش‌هایی که قابل تبدیل به فرضیه نبودند و نظریه‌ای متناسب با آنان وجود نداشت. مثلاً با فراگیر شدن استفاده افراد از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب، پدیده‌هایی همچون اعتیاد به اینترنت یا اضطراب رایانه‌ای ظهور کرد که پیش از آن وجود نداشت. در چنین شرایطی محققان بیش از آنکه درصد اندازه‌گیری متغیری خاص باشند، نیازمند شناخت این پدیده‌ها بودند. البته این مسئله فقط به پدیده‌های جدید محدود نمی‌شد. در بسیاری از مطالعات پرسش‌های تازه‌ای درباره مفاهیم شناخته شده مطرح می‌شد که رویکرد کمی نمی‌توانست کمک چندانی در این زمینه ارائه دهد.

مثلاً در علوم تربیتی مطالعات متعددی درباره همبستگی بسیاری از متغیرها با مفهوم پیشرفت و موفقیت تحصیلی انجام شده بود، اما اگر محقق می‌خواست تعریفی که سه گروه معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها از پیشرفت تحصیلی دارند، بشناسد و این تعاریف را با هم مقایسه کند، آنگاه به ابزار تازه‌ای نیاز داشت.



■ ابوالمعالی، خدیجه. پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل. تهران: نشر علم. ۱۳۹۱. ۶۱۳ ص. شابک: ۶-۳۸۴-۲۲۴-۹۶۴-۹۷۸.

مقدمه

مطالعه پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی نیازمند روش‌های مؤثری است تا به پرسش‌های دشواری که در این حوزه‌ها مطرح می‌شوند، به درستی پاسخ دهند. پرسش‌هایی که بیشتر بر چپستی این پدیده‌ها و چگونگی رخداد آنها دلالت دارند؛ و همواره متأثر از بافت پیچیده و چندلایه‌ای هستند که آنها را احاطه کرده است. پرسش‌هایی که اغلب با نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و باورهای افراد ارتباط دارند و نمی‌توان با پرسشنامه‌ای استاندارد به پاسخ آنها رسید. مثلاً اگر پژوهشگری در حوزه علوم تربیتی بخواهد تعریف معلمان و مدیران مدارس را از مفهوم سرمایه اجتماعی بدانند و استراتژی آنان را برای ارتقای مهارت‌های دانش‌آموزان در تولید این سرمایه بشناسد، نیازمند به ابزاری است تا این تعاریف را برای او آشکار ساخته و مسیر این مقایسه را هموار سازد.

از نظر رویکردی که پژوهشگران برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی می‌توانند اتخاذ کنند، در یک تقسیم‌بندی کلان

نظر به اهمیتی که رویکرد کیفی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی دارد؛ و با توجه به کمبود منابع فارسی در این زمینه، تألیف این کتاب اقدامی قابل تحسین است

در چنین شرایطی است که رویکرد کیفی به کمک پژوهشگر خواهد آمد و افق تازه‌ای در اختیار او قرار خواهد داد؛ زیرا در مطالعات کیفی پژوهشگر مجاز است پرسش‌هایی از جنس چستی پدیده‌ها و چگونگی رخ دادن آنها مطرح کند و بی‌نیاز از تکیه بر نظریه‌ای خاص یا تدوین فرضیه‌ای آزمون‌پذیر است. او به سادگی می‌تواند فقط بر اساس پرسش‌های پژوهش مطالعه خود را آغاز کند، بی‌واسطه به میدان واقعی تحقیق وارد شود، با جامعه پژوهش گفتگو کند و دنیا را از دریچه نگاه آنان ببیند.

اگر شما دانشجوی تحصیلات تکمیلی در یکی از حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی هستید، ممکن است در پایان‌نامه خود با چنین پرسش‌های مواجه شده و در جستجوی منبعی باشید که راهنمایی مدون برای اجرای پژوهشی کیفی باشد. خوشبختانه همزمان با استقبال پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی از رویکرد کیفی در سال‌های اخیر کتاب‌هایی در این زمینه منتشر شده که یکی از آنها کتاب ارزشمند پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل است که به قلم دکتر خدیجه ابوالمعالی نوشته شده و به همت نشر علم در اختیار جامعه علمی کشور قرار گرفته است.

درباره نویسنده

نویسنده این اثر خانم دکتر خدیجه ابوالمعالی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. ایشان مدرک دکتری خود را در زمینه روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه الزهراء (س) و مدرک کارشناسی‌ارشد همین رشته را از دانشگاه علامه طباطبایی اخذ نموده‌اند. خانم دکتر ابوالمعالی سابقه تدریس در زمینه‌های مختلف روانشناسی تربیتی دارند که از آن جمله می‌توان به دروس آمار استنباطی، روش تحقیق، روانشناسی تربیتی، روانشناسی رشد، روانشناسی یادگیری، روانسنجی، روانشناسی عمومی و اختلالات یادگیری اشاره کرد. ایشان در کارنامه خود انتشار چند کتاب و چندین مقاله علمی را به ثبت رسانده‌اند که از آن میان می‌توان به همکاری در ترجمه دو کتاب روانشناسی عمومی و بهداشت روانی زنان اشاره کرد. علاوه بر این، تا کنون چندین کارگاه آموزشی برگزار کرده‌اند که موضوع این کارگاه‌ها بیشتر در زمینه‌هایی نظیر مهارت‌های زندگی، بهداشت روانی، ناتوانی‌های یادگیری، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های خودشناسی، مهارت‌های گفتمان و مباحثه، روش‌های ایجاد انگیزه در یادگیرندگان، روش‌های مصاحبه و روش پژوهش تحلیل محتوا بوده است.

معرفی کتاب

کتاب حاضر شامل پنج بخش و نوزده فصل است. بخش نخست با عنوان «ماهیت، پایه‌ها و روش‌شناسی پژوهش کیفی» سه فصل آغازین را در برمی‌گیرد. فصل اول به تعریف ماهیت پژوهش کیفی می‌پردازد و خواننده را با مبانی این حوزه آشنا می‌سازد. در صفحه ۱۲ نویسنده با استناد به مریام (۲۰۰۲) در معرفی این رویکرد می‌نویسد:

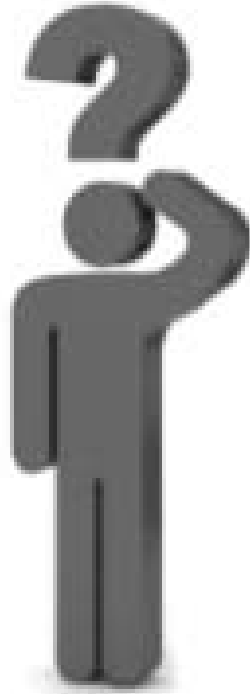
«کلید فهم پژوهش کیفی بر این عقیده مبتنی است که معانی به لحاظ اجتماعی در تعامل با دنیای خارج ساخته می‌شوند. از دیدگاه پژوهشگران کیفی دنیا یا واقعیت، ثابت، منفرد یا منطبق بر پدیده‌های قابل اندازه‌گیری اثبات‌گرایان (در پژوهش کمی) نیست. در عوض ساختارها و تفاسیر چندگانه‌ای از واقعیت وجود دارند که بی‌ثبات بوده و در طول زمان تغییر می‌کنند.»

مؤلف به نقش پژوهشگر کیفی اشاره نموده و این نقش را بسیار تعیین‌کننده معرفی می‌کند. نقشی که بر عهده پژوهشگری است که با ذهنی باز، همراه با کنجکاوی، همدلی و انعطاف‌پذیری به سوی هدف اصلی پژوهش کیفی که همان «فهمیدن» و شناخت پدیده‌هاست گام بر می‌دارد. در ادامه ده ویژگی اصلی پژوهش کیفی معرفی شده که عبارتند از: جستجوی کلی یا کل‌نگر بودن، جستجوی طبیعت‌گرایانه، تحلیل استقرایی، نظام‌های پویا، فردی بودن، همدلی بی‌طرفانه، همزمانی توصیف و تفسیر، تعداد کم پاسخگوها، تفاسیر چندگانه از یک واقعیت مشابه، و ذهنیت و انعکاس.

فصل دوم با عنوان «پایه‌های پژوهش کیفی» به معرفی نظریه‌ها، اصول، پارادایم‌ها، روش‌شناسی و روش‌ها اختصاص دارد. نویسنده در اهداف این فصل متذکر شده که خوانندگان پس از مطالعه آن باید بتوانند ویژگی‌های مهم پژوهش کیفی را همراه با مثال شرح دهند، پایه‌های نظری این روش‌شناسی را بشناسند، هنگام اجرای پژوهشی کیفی اصول اساسی آن را به کار برند، با مفهوم پارادایم آشنا شوند و چگونگی تأثیر آن را بر انتخاب روش‌شناسی توضیح دهند. نویسنده در صفحه ۳۹ پارادایم را این‌گونه تعریف می‌کند: «در ساده‌ترین شکل، پارادایم عبارت است از مجموعه گزاره‌هایی که توضیح می‌دهند چگونه دنیا ادراک می‌شود و دربرگیرنده دیدگاهی درباره دنیا و شیوه‌ای است که ما دنیای پیچیده را خرد کرده و به اجزای مختلف تقسیم‌اش می‌کنیم.»

فصل سوم به مقایسه دو رویکرد کمی و کیفی اختصاص یافته و ویژگی‌های این دو را از نظر ماهیت واقعیت، منطق، طرح، هدف، نقش پژوهشگر، توان تعمیم و چگونگی تحلیل داده‌ها بررسی می‌کند. بر این اساس، پژوهش‌های کمی بیشتر به مطالعه واقعیت‌های عینی پرداخته، رویکردی قیاسی دارند و از طرحی ساختاریافته برخوردارند و تحلیل آنها مبتنی بر آزمون‌های آماری است. در مقابل پژوهش‌های کیفی بیشتر بر واقعیت‌های ذهنی در چارچوب مناسبات اجتماعی تأکید دارند و طرحی اکتشافی و انعطاف‌پذیر دارند. نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیقات محدود است و نتایج آنها نیز لزوماً تعمیم‌پذیر نخواهند بود.

بخش دوم اثر با فصل چهارم؛ «طرح پژوهش کیفی» آغاز می‌شود. بخشی که خود با عنوان «چگونه یک پژوهش کیفی را آغاز کنیم» به خواننده این نوید را می‌دهد که مباحث نظری به پایان رسیده و زمان پرداختن به وجوه عملی تحقیق کیفی فرارسیده است. اما در عمل این مهم چندان تحقق نیافته است و



هنوز خواننده خود را با مباحث نظری در این زمینه مواجه می‌بیند، بی‌آنکه گام‌های عملی روشنی برای تدوین طرحی مؤثر در اختیار او قرار گیرد.

پنجمین فصل کتاب با عنوان «راهبردهای نمونه‌گیری در پژوهش کیفی»، ۱۴ نوع روش نمونه‌گیری را در مطالعات کیفی معرفی می‌کند: نمونه‌گیری بر اساس حداکثر تفاوت^۲، نمونه‌گیری موارد عادی^۳، نمونه‌گیری موارد انحرافی یا افراطی^۴، نمونه‌گیری موارد بحرانی^۵، نمونه‌گیری متجانس^۶، نمونه‌گیری نظری^۷، نمونه‌گیری گلوله برفی^۸، نمونه‌گیری ملاکی^۹، انتخاب موارد تأییدکننده یا تکذیب‌کننده^{۱۰}، نمونه‌گیری مواردی که اهمیت سیاسی دارند^{۱۱}، نمونه‌گیری فرصت‌طلبانه^{۱۲}، نمونه‌گیری موارد مطلوب یا شدید، نمونه‌گیری تصادفی هدفمند^{۱۳}، نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای.

فصل ششم با تغییر نسبتاً ناگهانی در موضوع بحث همراه است؛ و به هر دلیل نویسنده کتاب ترجیح داده است که پیش از آنکه به بحث گردآوری و تحلیل داده‌ها بپردازد، بحث مهم اخلاق در پژوهش را مطرح سازد. هرچند این بحث معمولاً در سایر آثار در انتها یا ابتدای گام‌های تحقیق مطرح می‌شود، طرح آن پس از بحث نمونه‌گیری و پیش از تبیین چگونگی گردآوری داده‌ها نیز به نظر موجه و منطقی است. هرچند گنجاندن بحث اخلاق در میانه راه مربوط به گام‌های تحقیق چندان متداول نیست، اما به نظر مبتکار خوبی بوده و به نوعی بر اهمیت آن تأکید می‌کند.

فصل هفتم که آخرین فصل بخش دوم است، به ارزیابی پژوهش‌های کیفی می‌پردازد و مفاهیم مهمی همچون روایی، پایایی، اعتمادپذیری^{۱۴}، انتقال‌پذیری^{۱۵} و مثلث‌سازی^{۱۶} در آن تبیین شده است. در صفحه ۱۶۸ و در معرفی روش مثلث‌سازی به عنوان راهکاری برای ارتقای وثوق یافته‌های تحقیق می‌خوانیم: «مثلث‌سازی روشی است که به انتقال‌پذیری داده‌ها کمک می‌کند. در این روش ما داده‌ها را با روش‌های تحلیلی مختلف بررسی می‌کنیم و یا می‌کوشیم که داده‌ها را با استفاده از روش‌ها و منابع مختلف جمع‌آوری کنیم». در ادامه پنج نوع مثلث‌سازی معرفی شده است. در مثلث‌سازی داده‌ها^{۱۷} برای ارتقای روایی و پایایی تحقیق از منابع مختلف برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کنیم. مثلاً در یک تحقیق واحد، حداقل سه ابزار مصاحبه، مشاهده و بررسی اسناد را به کار می‌گیرد. در مثلث‌سازی بررسی‌کننده^{۱۸} نوعی تشویق و ترغیب برای کار گروهی وجود دارد. به این معنا که علاوه بر شخص محقق حداقل یک یا دو نفر دیگر به عنوان محقق همکار در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها مشارکت داشته باشند تا از منظرهای مختلف به داده‌ها نگریسته شود.

در نوع سوم که به مثلث‌سازی نظریه^{۱۹} معروف است، محقق خود را به یک نظریه خاص محدود نمی‌کند و یک پدیده واحد را بر اساس چند نظریه تحلیل می‌کند. مثلاً در روانشناسی تربیتی می‌توان موفقیت و شکست دانش‌آموزان را در آزمون‌های پایان ترم هم بر اساس «نظریه اسنادی»^{۲۰} بررسی نمود و هم نظریه

سه‌م مباحث نظری
نیز در مقایسه با
توصیه‌های عملی و
کاربردی بیشتر است؛
و این تأکید ویژه بر
بحث‌های نظری ممکن
است چندان برای
مخاطبان اصلی این

اثر - که دانشجویان
تحصیلات تکمیلی و
پژوهشگران جوانند -
جذابیتی نداشته باشد

«درماندگی آموخته‌شده»^{۲۱} را مبنای تحلیل قرار داد. در نوع چهارم که مثلث‌سازی روش شناختی^{۲۲} است شبیه آنچه در زمان گردآوری داده‌ها انجام شد، می‌توان همزمان از روش‌های متعدد استفاده کرد. مثلاً در یک مطالعه موردی می‌توان داده‌های گردآمده را بر اساس روش کدگذاری در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (زمینه‌ای) تحلیل نمود. سرانجام در مثلث‌سازی محیطی^{۲۳} که تلاشی برای عینیت‌بخشی به یافته‌های تحقیق است، فرد یا افراد مورد مطالعه را در بافت‌های مختلف بررسی کرد. مثلاً واکنش یک دانش‌آموز به پاداش و تنبیه در خانه و مدرسه ممکن است متفاوت باشد، که بررسی هر دو محیط به درک بهتر این واکنش کمک می‌کند.

بخش سوم با عنوان «روش‌های جمع‌آوری داده‌ها» شامل سه فصل است. فصل هشتم به معرفی مصاحبه و انواع آن اختصاص دارد و در آن انواع مصاحبه‌های ساختاریافته، نیمه‌ساختار یافته و بدون ساختار معرفی شده است. مصاحبه‌های گروهی و گروه‌های کانونی از جمله مباحث دیگر این فصل است و در نهایت مزایا و محدودیت‌های مصاحبه نیز تبیین شده است.

فصل نهم درباره مشاهده است و نویسنده انتظار دارد خوانندگان با مطالعه این فصل بتوانند با مهارتی بیشتر به مشاهده بپردازند و بدانند چه زمانی می‌توانند از مشاهده استفاده کنند و چگونه باید مشاهدات خود را جهت بخشیده و ثبت کنند. فصل دهم که با داشتن فقط هفت صفحه کوتاه‌ترین فصل کتاب است، توضیح مختصری درباره اهمیت اسناد در مطالعات کیفی ارائه می‌کند و اشاره‌ای نیز به چهار مفهوم اصالت سند، صحت سند، بازنمایی و معنی سند دارد. اصالت سند بیانگر این است که آیا

داده‌های به دست آمده از آن اساسی و اصلی است. صحت سند نیز بر درستی این داده‌ها تأکید دارد. بازنمایی نشانگر چگونگی تنظیم داده‌ها و معنی سند دلالت بر قصد و هدفی دارد که از مطالعه آن حاصل می‌شود.

بخش چهارم با عنوان «رویکردهای پژوهش کیفی» شامل شش فصل است که به ترتیب عبارتند از: قوم‌نگاری، مطالعه موردی، اقدام‌پژوهی، نظریه زمینه‌ای، تحلیل گفتگو و تحلیل گفتمان. در فصل یازدهم و در صفحه ۲۷۸ قوم‌نگاری به معنای توصیف یک فرهنگ و درک و فهم روش زندگی از دیدگاه شرکت‌کنندگان در تحقیق معرفی شده است. نویسنده در همان صفحه، قوم‌نگاری را مستلزم پژوهش دست اول و عمیق درباره ویژگی یک فرهنگ معین معرفی می‌کند و با استناد به پانچ (۲۰۰۹) می‌نویسد: «قوم‌نگار در یک زمان طولانی به طور آشکار یا ناآشکار در زندگی روزمره مردم شرکت می‌کند، آنان را مشاهده می‌کند، به حرف‌های آنان گوش می‌دهد، سؤال‌هایی از آنان می‌پرسد و هرگونه اطلاع مربوطی را جمع‌آوری می‌کند.»

در فصل دوازدهم و در صفحه ۳۰۰ کتاب، نویسنده مطالعه موردی را مطالعه جدی یک پدیده مشخص معرفی می‌کند که این پدیده می‌تواند شامل افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، حوادث، فرایندها یا هر پدیده مورد نظر محقق باشد. در ادامه ایشان با استناد به استیک (۱۹۹۴) سه نوع مطالعه موردی را شامل مطالعات موردی درونی، ابزاری و جمعی معرفی می‌کند. سه ویژگی تمرکز روی موارد خاص، جمع‌آوری عمیق و متمرکز داده‌ها و استفاده همزمان از منابع مختلف برای جمع‌آوری داده‌ها از جمله ویژگی‌هایی است که به آنها پرداخته شده است.

فصل سیزدهم با هدف تعریف اقدام‌پژوهی، اهمیت آن و چگونگی اجرای مطالعات مختلف با این روش تدوین شده است. نویسنده انتظار دارد با مطالعه این فصل خوانندگان بتوانند اقدام‌پژوهی را تعریف کنند، اهداف آن را بشناسند، چگونگی تدوین و اجرای تحقیق با این روش را بیاموزند. بر این اساس، در صفحه ۳۳۱ با استناد به مک‌نیل (۲۰۰۳) می‌خوانیم: «محور اساسی در اقدام‌پژوهی عمل است. به این معنی که شخص خود را در حین کار و فعالیت مورد پژوهش قرار می‌دهد. این پژوهش دو ویژگی عمده دارد: ۱. پژوهشگر درگیر موضوع پژوهش است و ۲. موضوع پژوهش مرتبط با عمل فعلی پژوهشگر است.»

فصل چهاردهم درباره نظریه زمینه‌ای است که در آن پژوهشگر با تحلیل استقرایی داده‌های واقعی برگرفته از جامعه مورد مطالعه در مسیر تدوین نظریه‌ای تازه گام برمی‌دارد. در صفحه ۳۸۶ به پژوهشگران توصیه می‌شود، زمانی باید از این روش استفاده کنند که یا درباره حوزه مورد مطالعه چیزهای شناخته‌شده زیادی وجود نداشته باشد، یا نظریه‌ای برای توضیح آن پدیده یافت نشود. البته اگر محقق بخواهد نظریه‌های موجود را نیز به چالش بکشد یا به فهم تازه‌ای از آن پدیده نائل شود، مجاز است از این روش استفاده کند.

فصل پانزدهم درباره تحلیل گفتگوست؛ که زبان در آن نقشی کانونی داشته و در بررسی مفاهیم ارتباطی کاربرد دارد. نویسنده تحلیل گفتگو را جستجویی منظم می‌داند که برای درک و فهم بهتر از تعاملات اجتماعی در قالب گفتار و نوشتار به کار گرفته می‌شود. در ادامه فصل شانزدهم به «تحلیل گفتمان» اختصاص دارد و بخش چهارم کتاب با آن به پایان می‌رسد.

بخش پنجم با عنوان «تحلیل داده‌ها و گزارش نتایج پژوهش کیفی» شامل سه فصل پایانی است. فصل هفدهم بحث مفصلی درباره تحلیل داده‌های کیفی است. مؤلف امیدوار است که خوانندگان با مطالعه آن بتوانند ماهیت تحلیل داده‌های کیفی را بشناسند و تفاوت میان کدهای استقرایی و قیاسی را توضیح دهند. فصل هجدهم که مکمل این بحث است حرکت چرخه‌ای و زنجیره‌ای را در فرایند تحلیل تبیین می‌کند و روش‌های مفهوم‌سازی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. فصل نوزدهم که آخرین فصل است به توضیحی درباره چگونگی تدوین گزارش پژوهش کیفی ارائه می‌کند و مراحل تدوین آن و نکات مهمی را در این زمینه از جمله تناسب، وضوح و انسجام را یادآور می‌شود. به این ترتیب کتاب به پایان می‌رسد و خواننده درمی‌یابد که مسیری طولانی را در حجمی بیش از ۶۰۰ صفحه همراه نویسنده بوده و اکنون زمان آن رسیده که آموخته‌های خود را در عمل بیازماید. البته در روزگار پرشتاب امروز بعید است خوانندگانی یافت شوند که فرصت و فراغت کافی برای مطالعه کامل اثری با این حجم را پیش از آغاز پژوهش در اختیار داشته باشند و به احتمال زیاد در خلال تحقیق بر حسب پرسش‌هایی که برایشان ایجاد خواهد شد به آن مراجعه خواهند کرد.

امتیازها و کاستی‌ها

کتاب پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل به چند دلیل اثری سودمند است. نخست آنکه نظر به اهمیتی که رویکرد کیفی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی دارد؛ و با توجه به کمبود منابع فارسی در این زمینه، تألیف این کتاب اقدامی قابل تحسین است. هوشمندی نویسنده در انتخاب این موضوع نشان از آگاهی و احاطه ایشان به نیازهای آموزشی حوزه روش تحقیق در کشور است. جامعیت این اثر دومین امتیاز آن است؛ به گونه‌ای که تقریباً همه مباحث بنیادین مورد نیاز خوانندگان در آن در نظر گرفته شده است. البته این جامعیت در مواردی منجر به حجیم شدن کتاب شده که شاید این حجم زیاد تا حدودی اجتناب‌ناپذیر بوده است. با این حال، در مواردی امکان خلاصه‌سازی بخش‌هایی نظیر بخش چهارم وجود داشته است.

در کنار امتیازهای این اثر نکته‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند در ویرایش بعدی مورد توجه نویسنده محترم قرار گیرد. نکته نخست مربوط به ساختار کتاب است. هر چند ساختار فعلی کتاب نقصی جدی ندارد، اما به نظر می‌رسد تفکیک مطالب به پنج بخش و ۱۹ فصل کمک‌چندانی به خواننده نخواهد کرد؛ زیرا

کیفی به جامعه علمی کشور دانست. این اثر، کمک بسیاری به دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی، اجتماعی و تربیتی خواهد کرد. بر این اساس، مطالعه آن به دانشجویان رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ارتباطات، گرایش‌های مختلف مدیریت، بازاریابی، روانشناسی تربیتی، علوم تربیتی، مشاوره، پرستاری، حقوق، تاریخ و علم اطلاعات و دانش‌شناسی توصیه می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. mansourian@khu.ac.ir
2. Maximum Variation Sampling
3. Typical Case Sampling
4. Extreme or Deviant Case Sampling
5. Critical Case Sampling
6. Homogeneous Sampling
7. Theoretical Sampling
8. Snowball or Chain Sampling
9. Criterion or Criteria Based Sampling
10. Confirmatory or Disconfirmatory Cases
11. Politically Important Cases
12. Opportunistic Sampling
13. Random Purposeful Sampling
14. Trustworthiness
15. Dependability
16. Triangulation
17. Data Triangulation
18. Investigator/Researcher Triangulation
19. Theory Triangulation
20. Attribution Theory
21. Learned Helplessness Theory
22. Methodological Triangulation
23. Contextual Triangulation

خوانندگانی که با این روش‌شناسی‌چندانی ندارند، در آغاز مطالعه این اثر با انبوهی از عناوین فصل‌ها و بخش‌ها مواجه می‌شوند که ممکن است بیش از آنکه آنان را به خواندن اثر تشویق کند اثر بازدارنده داشته باشد؛ زیرا خواننده احساس می‌کند با کتابی بسیار مفصل مواجه است که مطالعه آن به زمان بسیار زیادی نیاز خواهد داشت.

سهم مباحث نظری نیز در مقایسه با توصیه‌های عملی و کاربردی بیشتر است؛ و این تأکید ویژه بر بحث‌های نظری ممکن است چندان برای مخاطبان اصلی این اثر - که دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران جوانند - جذابیتی نداشته باشد. برای افزودن بر بخش کاربردی این اثر کافی بود مثال‌های بیشتری از پژوهش‌های منتشر شده با رویکرد کیفی در کتاب آورده شود. به این ترتیب خوانندگان علاقه‌مند می‌توانستند نمونه‌های عملی را در منابع دیگر مشاهده و بررسی کنند.

از سویی دیگر، استناد یا رد پای روش مورد استفاده نویسنده در انجام پژوهش‌های کیفی در کتاب دیده نمی‌شود. در نتیجه خواننده تصور می‌کند محتوای این اثر بیش از آنکه مبتنی بر تجربه و مطالعات شخص مؤلف باشد، حاصل گردآوری دیدگاه‌ها و نظرات دیگران است. هر چند این گردآوری نیز در جای خود بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است، اما سهم زیاد ترجمه و گردآوری در این اثر، در نهایت آن را به نوعی کتاب تألیف و ترجمه تبدیل کرده است. همچنین در تدوین کتابنامه منابع انگلیسی کمی شتابزده عمل شده است؛ زیرا علاوه بر برخی از غلط‌های املائی در اسامی افراد، عنوان آثار و نام ناشران؛ اطلاعات کتابشناختی برخی از منابع نیز ناقص است. برخی از منابع هم از قلم افتاده‌اند. مثلاً در صفحه ۳۰۰ به استیک (۱۹۹۴) استناد شده که در فهرست منابع انگلیسی وجود ندارد. در صفحه ۳۳۱ نیز استنادی به مک‌نیف (۲۰۰۳) شده که ناشر آن در فهرست منابع فراموش شده است. ضمن آنکه سال انتشار این اثر نیز ۲۰۰۲ بوده است، امیدوارم در ویرایش دوم این کتاب بخش منابع انگلیسی مورد بازبینی و بازنگری قرار گیرد و اشکالات آن رفع شود.

از نظر ظاهری نیز کاستی‌هایی جزئی در این کتاب دیده می‌شود که مسئولیت آن بیشتر با ناشر است و با کمی دقت و توجه امکان افزودن بر خوانندگان کتاب وجود داشته است. مثلاً کیفیت فونت، متوسط و کیفیت تصاویر، ضعیف است. به عنوان نمونه در صفحات ۱۰۰ و ۲۱۸ تصاویر چندان گویا نیست. ضمن آنکه نوشته‌های درون تصویر صفحه ۲۱۸ به فارسی ترجمه نشده و عیناً از منبع انگلیسی بازتولید شده است. همچنین، کتاب فاقد نمایه موضوعی است، که این کاستی در یک کتاب آموزشی مفصل از میزان سهولت در خوانایی آن خواهد کاست.

سخن پایانی

در مجموع کتاب پژوهش کیفی: از نظریه تا عمل اثر ارزشمندی است که انتشار آن را می‌توان گامی مؤثر در معرفی بیشتر رویکرد

ماخذ

- Merriam, S. (2002) *Qualitative Research in Practice: Examples for Discussion and Analysis*. San Francisco: Jossey Bass.
- McNiff, J. and Whitehead J. (2002) *Action Research: Principles and Practice (2nd Edition)* London: RoutledgeFalmer.
- Punch, K. F. (2009) *Introduction Methods in Education*: London: Sage Publication.

مطالعه کتاب به
دانشجویان رشته‌هایی
نظیر جامعه‌شناسی،
مردم‌شناسی،
ارتباطات، گرایش‌های
مختلف مدیریت،
بازاریابی، روانشناسی
تربیتی، علوم تربیتی،
مشاوره، پرستاری،
حقوق، تاریخ و علم
اطلاعات و دانش
شناسی توصیه می‌شود